

واکاوی زیباسازی و تزیینات اماکن مقدس و حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم‌السلام از منظر فقه، قرآن و سنت

محسن کبیری راد (نویسنده مسئول)^۱ - سید مجتبی میردامادی^۲

سید صادق حسینی^۳ - سید روح‌الله بزرگی^۴

چکیده

زمانی که انسان وارد اماکن مقدسه می‌شود، تزیینات حرم و کاشی‌کاری‌ها و نقش‌نگاره‌ها و گچ‌بری‌های استادانه و خلاقانه و نیز طلاکاری و نقره‌کاری ماهرانه وی را مبهوت می‌کند. مقاله پیش‌رو در نظر دارد به بررسی زیبا سازی حرم‌های مطهر از منظر فقهی و قرآن و روایات بپردازد. در این تحقیق تلاش کرده‌ایم تا حکم شرعی و فقهی زیباسازی حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم‌السلام و امکان استفاده از طلا و نقره در تزیین این اماکن مقدس را واکاوی کنیم تا شبهات احتمالی برطرف، و حکم تزیین این حرم‌ها منقح شود. نتایج این تحقیق، با اتکا به روش کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری و با تحلیل ادله، حاکی از این است که تزیین

mohsenkibirirad@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری الهیات دانشگاه مازندران،

mirdamadi_77@ut.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران،

۳. دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف و اندیشه اسلامی دانشکده معارف دانشگاه تهران،

sadeghasani225@gmail.com

rohollahbozorge@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد،

حرم‌های مطهر با طلا و نقره بدون اشکال است؛ اما قسمتی که عنوان مسجد را دارد نباید طلاکاری، یا با تصاویر موجود زنده تزیین شود. حتی بعضی فقها به حرمت، و بعضی دیگر به احتیاط در ترک این عمل در مساجد قائل شدند. اما فقها این حکم را به حرم‌های مطهر سرایت نمی‌دهند و مختص مسجد می‌دانند؛ به عبارت دیگر تزیین حرم‌های مطهر را از باب تعظیم شعائر صحیح می‌شمارند.

کلیدواژه‌ها: زیباسازی، اماکن مقدس، حرم معصومین، مسجد، طلاکاری.

مقدمه

امروزه حرم‌های مطهر و اماکن مقدس زیبایی چشم‌نوازی دارد و مجموعه‌ای از هنرها، از آینه‌کاری تا گچ‌بری و طلاکاری و نقره‌کاری و همچنین کاشی‌کاری‌های منحصر به فرد، در آن به کار رفته است. سؤال این است که از نگاه فقه اسلامی حکم این گونه تزیینات چیست و در صورت جواز، حدود آن چقدر است؟ این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این سؤالات است. درباره این موضوع پیشینه‌چندانی ندارد و بسیار پراکنده در فقه آن بحث شده است.

مفهوم شناسی تزیین

تزیین به معنای زینت است و «زینت» اسم است از ریشه «زَانَ الشَّيْءُ صَاحِبَهُ زَيْنًا» (مصباح المنیر، ج ۲، ص ۲۱۶) یعنی چیزی که صاحب خود را آراسته می‌کند. در معجم المقائیس در تعریف «زین» آمده است: «اصل صحیح یدل علی حسن الشیء و تحسینه و زین نقیض الشین یقال زینته الشیء تزیناً؛ اذا حسنها عشها» (ابن فارس، ج ۳، ص ۳۱۲) یعنی زین اصل صحیح است که بر حسن و زیبایی شیء و تحسین کردن شیء دلالت می‌کند. البته تزیین در اصطلاح مختص ظاهر نیست و افزون بر ظاهر، زینت‌های معنوی مثل تقوا و طهارت را نیز در بر می‌گیرد. در مفردات القرآن زینت به سه دسته تقسیم شده است: اول، زینت باطنی مثل علم و اعتقادات خوب ﴿حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي

قُلُوبِكُمْ» (حجرات، ۷)؛ دوم، آرایش و تزیینات جسمی و زیبایی ظاهری همچون لباس و خانه فاخر برای مؤمنان «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ» (اعراف، ۳۲)؛ سوم، زیبایی ظاهری مثل مال و ثروت و مقام «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ» (قصص، ۷۹). در اینجا بحث ما نگاهی فقهی به دسته دوم زینت یعنی تزیین های ظاهری حرم مطهر است.

ادله جواز تزیین اماکن مقدس

قرآن

برای اثبات این موضوع ابتدا به سراغ آیات قرآن می‌رویم؛ چرا که قرآن معتبر و قطعی‌الصدور و مورد پذیرش همه مسلمانان است:

۱. «مَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج، ۳۲)؛ «هر کس شعائر الهی را بزرگ بشمارد بدون تردید این بزرگ شمردن ناشی از تقوای قلب هاست».

برای اینکه موضوع را با این آیه اثبات کنیم لازم است درباره شعائر به اجمال توضیح دهیم. «شعائر» جمع «شعیره» و به معنای علامت و نشانه است. شعائر هم به معنای نشانه‌هایی است که انسان را به یاد خداوند می‌اندازد و تعظیم آنها سبب تقوای قلوب می‌شود. اما بعضی از مفسران این آیه را مختص قربانی کردن در ایام حج می‌دانند. در آیه ۳۶ سوره حج به صراحت این مسئله بیان شده است: «وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...»؛ «و شترهای چاق و فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم». به عبارت دیگر این آیه قربانی کردن را از شعائر الهی دانسته است. بعضی صفا و مروه را از شعائر الهی می‌دانند و در اثبات آن به آیه ۱۵۸ سوره بقره استناد می‌کنند: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...»؛ «صفا و مروه از شعائر و نشانه‌های خدا است». ولی باید گفت «من» در هر دو آیه به معنای تبعیض است؛ یعنی قربانی کردن و صفا و مروه هر یک مصداقی از مصداقی شعائر الهی است، از باب تطبیق مصداق بر مفهوم کلی است. پس آیه بر معنای کلی خود پابرجاست.

بنابراین محل دفن پیامبران و اولیای الهی و حرم مطهر آنان هم مصداقی از شعائر الهی است. خداوند متعال هر نوع پلیدی را از خاندان آل الله دور کرده و آنها را پاک و پاکیزه گردانیده است. این خاندان همیشه مطهر نشانه های الهی اند؛ چنان که با دیدن اهل بیت علیهم السلام و یاد کردن از آنها نام الهی زنده و متجلی می شود؛ به طوری که در بخشی از زیارت جامعه کبیره - که از امام هادی علیه السلام به ما رسیده - این طور بیان شده: «السلام علی محال معرفه الله السلام علی مساکن ذکر الله السلام علی مظهری امر الله و نهیه...»؛ «سلام بر جایگاه های معرفت خداوند. سلام بر خانه های ذکر خدا. سلام بر آشکارکننده های امر و نهی خدا». پس باید اذعان کرد که مصداق بارز و اتم شعائر الله مضعع منور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان است؛ چراکه قبور این بزرگواران محل نزدیک تر شدن قلوب انسان ها به خداست. پس تعظیم این خاندان مطهر و همیشه پاکیزه سبب تقوای الهی می شود. تعظیم هم مراتب گوناگونی دارد که یکی از آنها ساخت حرم و تزئین آن است؛ از این رو می توان بر جواز تزئین حرم از باب تعظیم شعائر استدلال کرد. آیت الله خوئی در کتاب *صراط النجاة* بتزئین را از جمله تعظیم شعائر الهی می داند (خوئی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۰۷).

۲. «مَنْ يُعْظِمُ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ» (حج، ۳۰)؛ «مناسک حج» این

است! و هر کس برنامه های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است! استدلال به این آیه هم دقیقاً همانند آیه اول است. در *قاموس المحيط* (ج ۴، ص ۹۶) و *کشاف* (ج ۳، ص ۱۵۳) آمده است: «حرمت» جمع «حُرْمَت» است حرمت به معنای «مالا یحل انتهاکه» است؛ یعنی زیاده روی در آن حلال نیست و تعدی به هر چیزی که نزد پروردگار ارزشمند باشد جایز نیست. پس حرمت فقط حلال و حرام یا مسجد الحرام و مسجد النبی و خانه خدا را در بر نمی گیرد، بلکه هر آنچه نزد خداوند ارزشمند است را شامل می شود. حضرت آیت الله بجنوردی در کتاب *القواعد الفقهية* (ج ۵، ص ۲۹۳) می فرماید: از این آیه عموم، یعنی هر چیزی که در دین حرمت دارد و بزرگ شمرده شده است، فهمیده می شود. ایشان مصداق حرمت در دین را بیان می کنند که یکی از آنها

رسول اکرم و اهل بیت او و آرامگاه‌های ایشان است؛ بنابراین حرمت شامل پیامبر ﷺ و اهل بیت او می‌شود که باید تعظیم شوند و ساخت حرم‌های مطهر و تزیین آنها حداقل کاری است که برای اهل بیت ﷺ می‌توان انجام داد.

گفتنی است تعظیم در هر زمانی متفاوت است. شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد می‌فرماید: «يجوز تعظیم المؤمن بما جرت به عادة الزمان و ان لم يكن منقولا عن السلف لدلالة العمومات عليه»؛ یعنی الآن زمان و عرف چیزهایی را برای مؤمن تعظیم می‌داند که در گذشته تعظیم نبوده است. ایشان در این زمینه به عمومات این دو آیه استناد می‌کند. پس این آیه نیز تزیین حرم را از آنجا که از باب تعظیم اهل بیت ﷺ است جایز می‌داند.

۳. ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ «بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم». (شوری، ۲۳)؛ یعنی وجود نازنین پیامبر گرامی ﷺ می‌فرماید تنها پاداش درخور رسالت من مودت به نزدیکان من است که در تفاسیر، اهل بیت پیامبر معرفی شده است، هرچند این پاداش به خود مسلمانان برمی‌گردد؛ یعنی باید به شخصی که کاری انجام داده است برسد؛ ولی رسول اکرم ﷺ مزد رسالت خود را مودت اهل بیت، که تمام بهره آن را مسلمانان می‌برند، معرفی می‌کند. بعضی «المَوَدَّة» را مصدر، و بعضی اسم مصدر، که به معنای محبت کردن و دوست داشتن است، دانسته‌اند؛ ولی به نظر می‌رسد این واژه در اینجا به معنای اسم مصدر باشد؛ چراکه مجرور «فی» واقع شده است. پس مقصود محبتی که ابراز می‌شود، است. محبت کردن مراتبی دارد که بالاترین آن اطاعت محض از اهل بیت و حفظ شأن ایشان است. مرتبه‌های پایین‌تر آن نیز زنده نگه داشتن نام و یاد آنها با ساختن بارگاه و تزیین قبور مطهر ایشان است. بنابراین تزیینات در حرم برای خودنمایی و فخرفروشی نیست، بلکه صرفاً ابراز محبت و مودت به اهل بیت است.

۴. ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ...﴾ (توبه، ۱۸)؛ «مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که

به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته...».

در اینجا باید پرسید که «یعر» به چه معناست و آیا تزیین و زیبایی را هم شامل می‌شود یا نه؟ «عمر» و «عمار» در لغت به معنای حیات است (ابن فارس، ج ۴، ص ۱۴۰)؛ نیز به معنای آباد کردن آمده و در ادامه این پرسش مطرح شده است: آیا منظور، آباد کردن ظاهری یعنی حفظ بنای مسجد و ترمیم آن است یا آباد کردن معنوی، یعنی نظافت و روشن نگه داشتن مسجد و اقامت در آن؟ نویسنده قاموس القرآن به قرینه آیه قبلی احتمال قوی می‌دهد که مراد آیه ترمیم بنا و حفظ و نگهداری مسجد است؛ چرا که آیه قبلی درباره مشرکان است که شأنیت تعمیر مسجد را ندارند.

اما اگر این احتمال درست نباشد، باید گفت آیه واجد هر سه معنا است. حال باید دید که لفظ «عمار» شامل تزیینات می‌شود یا رفع نقایص. آنچه از مفهوم عمارت می‌توان فهمید تزیین را هم شامل می‌شود؛ چرا که تزیین جزوی از بنای عمارت است. به همین سبب کسانی را که در رشته‌های مختلف زیباکاری و تزیین قرار دارند معمار می‌گویند؛ بنابراین بدون اینکه هیچ معنای مجازی اتفاق بیفتد مفهوم عمارت، تزیین را نیز شامل می‌شود؟ در روایاتی از تزیین مساجد با طلا منع شده است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

۰۲. روایت

در ادامه به بررسی ادله جواز تزیین در روایات می‌پردازیم.

در روایتی آمده است: «... قَالَ: أَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَهُ يَغْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَمَرَ تَرْبَتَهُ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۳۸۳)؛ [شخصی به نام ابی عامر واعظ اهل حجاز می‌گوید محضر امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ شرفیاب شدم.] به ایشان عرض کردم کسی که قبر امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را زیارت کند و تربت ایشان را تعمیر کند. چه پاداشی دارد؟ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: پدرم امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرش امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَامُ از پدرش امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ایشان فرمود: به خدا قسم قطعاً در عراق

تو را خواهند کشت و در زمین عراق دفن می‌شوی. امام علی علیه السلام به پیامبر عرضه داشت: پاداش کسی که به زیارت قبر من بیاید و آن را تعمیر و دائماً حفظ و نگهداری کند چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

یا اباالحسن، خداوند قبر تو و قبور فرزندان تو را بقعه‌ای از بقاع بهشت قرار داده است و قلب‌های انسان‌های نجیب و برگزیده به سمت شماها کشیده می‌شود و ذلت‌ها و اذیت‌ها را به جان می‌خرند و قبور شما را آباد می‌کنند و بسیار به زیارت شما می‌آیند تا قرب الهی پیدا کنند. این ساخت و نگهداری از قبرهای شما از مودتی است که به شما و رسول دارند. ای علی، اینها کسانی‌اند که شفاعت من به آنها اختصاص پیدا می‌کند و بر حوض من وارد می‌شوند، در حالی که در بهشت من را زیارت می‌کنند. ای علی، کسی که قبر شما را تعمیر و آباد کند و دائماً نگهداری کند در واقع به سلیمان نبی در ساختن بیت المقدس کمک کرده است...».

استدلال به این روایت دقیقاً مثل استدلال به آیه **﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ...﴾** است؛ به این معنا که در اینجا نیز باید گفت که «یعمرو» از مصدر عمر و عماره می‌آید که در لغت به معنای آباد کردن است. نیز چنان‌که گفتیم عمارت مفهوم تزیین را نیز شامل می‌شود؛ زیرا به کسانی که در زیباسازی بناها مشغول به کارند معمار می‌گویند. پس کسانی که قبور اهل بیت را بسازند در واقع بقعه‌ای از بهشت را آباد می‌کنند و مشمول شفاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرند؛ از این رو این روایت نشان‌دهنده جواز تزیین حرم‌های مطهر است.

۳. سیره عقلا (متشرعه)

با نگاهی به آثار تاریخی دینی و ملی به دست می‌آید که سیره عقلا این بوده است که از بزرگان و اندیشمندان و خدمتگزاران جامعه مرتب قدردانی می‌کردند و پس از مرگ برای آنها مقبره و یادمان می‌ساختند. این تجلیل و به نوعی ادای دین در هر جامعه‌ای شکل‌های گوناگونی دارد، اما همه در هر شکلی از بهترین روش‌ها استفاده می‌کنند؛ برای

نمونه با گرفتن سمینار از بهترین برنامه‌ها، و با ساخت مقبره از بهترین هنرها استفاده می‌کنند و هیچ منعی در این کار به‌ویژه برای اهل بیت، که حجت و امانت‌های خداوند بر زمین‌اند و تمام هستی خود را برای هدایت انسان‌ها گذاشتند، نمی‌بینند. شارع مقدس هم از این عمل نهی نکرده و آن را جایز دانسته است.

۴. اصل جواز فقهی

اصالة الجواز بدین معناست که وقتی شک داشته باشیم آیا موضوعی را شارع برای مکلفان جایز دانسته است یا نه، اصل جواز را جاری می‌کنیم. در بحث تزیین حرم‌های مطهر نیز اصل بر جواز است، مگر اینکه دلیلی عدم جواز و حرمت تزیین حرم‌های مطهر را بیان کند. پس اگر ادله جواز تزیین حرم‌های مطهر پذیرفته نشود این اصل به ما کمک می‌کند تا تزیین حرم‌های مطهر را جایز بدانیم.

ادله مخالفان تزیین حرم‌های مطهر و عتبات عالیات

۱. قرآن

﴿لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ...﴾ (توبه، ۱۰۸).

استدلال آیه: در این آیه آمده است که بنای مسجد باید بر اساس تقوا باشد. در مقایسه مسجد ضرار با مسجد قبا در قرآن این ویژگی بارز و اساسی معرفی شده است؛ یعنی تقوا مهم‌ترین شاکله ساختمان‌سازی است و اگر بناها فضیلتی پیدا می‌کنند، بر اساس تقواست؛ چرا که تقوا سبب رشد و تعالی انسان می‌شود و حتی در ساخت بنا بانیت خالص و پاک تأثیرگذار است؛ پس ساختن مسجد یا هر بنای دیگری را تقوا ارزشمند می‌سازد، نه زیباسازی ظاهری مساجد و حرم‌های مطهر که با روح پرهیزکاری سازگار نیست.

اشکال: این آیه شریفه هیچ منافاتی با تزیین حرم‌های مطهر ندارد؛ چرا که ساخت بنا بر اساس تقوا نافی تزیین آن نیست. نزول این آیه اساساً به این دلیل بوده که مسجد

ضرار بر اساس نفاق و دورویی و برهم زدن صفوف مسلمانان ساخته شده بود و از پیامبر خواندن نماز در این مسجد را خواسته بودند تا برای این مکان اعتبار کسب کنند. در برابر، قرآن دستور می دهد در مسجدی که بر اساس تقوا ساخته شده است نماز بخوانید؛ پس آنچه با روح تقوا سازگاری ندارد نفاق و رخنه کردن در صفوف مسلمین است، نه تزیین مساجد و حرم های مطهر که همسو با تقواست.

۲. روایات

در منابع شیعه در برخی روایات آمده است که اصلاً نباید روی قبرها بنا ساخته شود، چه رسد به اینکه آن را تزیین کنند:

الف) «... سألت عن أبي الحسن موسى عليه السلام عن البناء على القبر و الجلوس عليه هل يصلح؟ قال: لا يصلح البناء عليه و لا الجلوس و لا تجصيص و لا تطيينه» (طوسی، ۱۳۶۴ق، ج ۱، ص ۴۶۱) از ابوالحسن موسی بن جعفر عليه السلام درباره ساختن بنا روی قبر و نشستن بر روی آن پرسیدم که آیا جایز است؟ فرمود: جایز نیست ساختن بنا روی آن و نشستن بر آن و گچکاری و گل کاری آن جایز نیست.

گفتنی است این روایت از حیث سند مشکلی ندارد.

ب) «... قال: نهی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أن یصلی علی القبر أو یقعد علیه أو یبني علیه» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، باب ۴۴ از ابواب دفن، ح ۲؛ طوسی، ۱۳۶۴ق، ج ۱، ص ۴۶۱). رسول خدا صلی الله علیه و آله از نماز خواندن روی قبر و نشستن بر آن و ساختن بنا بر آن نهی کرده است. این روایت از نظر سندی ضعیف است. در سند این روایت به نام های زیاد بن مروان قندی و یونس بن ظبیان برمی خوریم که ضعیف اند. کشی درباره زیاد بن مروان قندی روایتی نقل کرده که نشانه خبث اوست. علامه حلی می گوید: «روایات این شخص نزد من پذیرفتنی نیست» (ترابی، ش ۲۴۵۹). همچنین نجاشی درباره یونس بن ظبیان می گوید: «این شخص جداً ضعیف است و به روایات او توجه نمی شود، تا آنجا که مشمول لعن

امام رضا علیه السلام قرار گرفته است». کشی درباره او می‌گوید: «یونس بن ظبیان از دروغ‌گویان معروف در حدیث است» (همان، ش ۶۷۱۳).

ج) «... عن جراح المدائنی عن ابی عبد الله علیه السلام: لا تبنوا علی القبور و تصوّروا سقف البیوت فی ان رسول الله کره ذلک» (طوسی، ۱۳۶۴ق، ج ۱، ص ۴۶۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، باب ۴۴ از ابواب دفن، ح ۳). جراح مدائنی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: بر روی قبرها ساختمان نسازید و سقف‌های خانه‌ها را نقاشی نکنید زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کارها کراهت داشت. گفتمنی است این روایت از لحاظ سندی مشکلی ندارد.

این سه روایت در منابع شیعه نشان‌دهنده این مضمون است که بر روی قبرها نباید بنا و ساخت، چه رسد به اینکه آنها را تزئین کرد؛ مخصوصاً روایت اول که تخصیص و گچ‌کاری بر روی قبر را صلاح نمی‌داند؛ بنابراین نباید عملی که شارع نهی کرده است را در حرم‌های مطهر انجام داد.

بررسی روایات از لحاظ دلالت: مجموع این روایات بر کراهت بنا و ساختمان‌سازی بر قبر دلالت می‌کند؛ چراکه روایت اول، که «لا یصلح» را مطرح می‌کند بر کراهت حمل می‌شود. روایت سوم نیز که «لا تبنوا» را آورده است به قرینه روایت اول بر کراهت حمل می‌شود. فقهای ما هم به کراهت ساختمان‌سازی بر قبرها حکم داده‌اند؛ چنان‌که سید یزدی در *عروة الوثقی* می‌فرماید: «نهمین چیزی که برای قبر مکروه است بنا ساختن بر روی قبر است» (طباطبایی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۴۶). سایر فقهای ما نیز چنین حکمی داده‌اند، ولی این حکم درباره قبرستان‌هایی است که مردم مردگان‌شان را در آن دفن می‌کنند و اگر بنا هم بر روی آنها ساخته شود، قبرستان پر می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۴۰۳). شهید اول در این باره می‌گوید: «مورد روایات در مورد قبرستان‌های عادی و انسان‌های معمولی است که بنا سازی در این نوع قبرستان نه تنها مفید نیست، بلکه سبب زحمت و مایه فخر و فروشی به همدیگر می‌شود» (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۵) ولی این دسته از روایات شامل قبور انبیای

الهی و ائمه اطهار علیهم السلام نمی شود؛ چرا که بناسازی در این مکان های مقدس - که محل عبور فرشتگان الهی است - نه برای فخر فروشی بلکه سبب تسهیل زیارت انبیای الهی و ائمه اطهار علیهم السلام است. برخی فقها مستثنا کردن قبور انبیا و ائمه اطهار علیهم السلام را به دلیل اجماع، ضرورت مذهب، مصلحت دینی و تطابق با سیره اهل بیت علیهم السلام دانستند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۲۹؛ حائری، ۱۳۹۴ق، ج ۹، ص ۴۲).

همچنین روایت اول به گچ کاری اشاره می کند که اگر به معنای تزیین قبر دانسته شود، اشکالاتی بر آن وارد است: اول، این عمل مکروه است؛ دوم، برخلاف این روایت، روایاتی در تأیید گچ کاری وجود دارد. کلینی با سند صحیح از یونس بن یعقوب نقل می کند: «آن گاه که یکی از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام در مدینه درگذشت، امام فرمود قبر او را گچ کاری کنند و نام او را بر سنگی بنویسند و بر روی قبر او بگذارند» (حر عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۲، باب ۳۶ از ابواب دفن، ح ۱)؛ سوم، این دسته از روایات بر گچ کاری داخل و روی قبر دلالت می کند، نه اینکه ساختن بنا برای انبیای الهی و ائمه اطهار علیهم السلام و گچ کاری و گچ بری آنها مکروه باشد؛ بنابراین این دسته از روایات هیچ گونه دلالتی بر رد بناسازی در حرم های مطهر و مشاهد مشرفه و تزیین آنها ندارد.

۳. حرمت استفاده از ظروف طلا و نقره

یکی از دلایل مخالفان، حرمت هر گونه استفاده از ظرف های طلا و نقره حتی برای به کارگیری تزیین در حرم های مطهر و عتبات عالیات است.

سید یزدی می فرماید: «خوردن و آشامیدن در ظرف های طلا و نقره حرام است» (یزدی طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۵۷). ایشان درباره استعمالات دیگر ظروف طلا و نقره می فرماید: «به کاربردن ظرف های طلا و نقره در خانه و در مساجد و مشاهد مشرفه به عنوان تزیین حرام است». این امر موافقان و مخالفانی دارد که ادله هر دو طرف را بررسی می کنیم.

ادله قائلان به حرمت استعمال ظروف طلا و نقره

دلیل اول: تضييع مال

فقهها از جمله شیخ طوسی بر این باورند که طلا و نقره سرمایه اصلی در تجارت است و ساختن ظروف با آن و استفاده تزئینی از آن در واقع تضييع مال است. تضييع مال امری حرام است و پیامبر ﷺ از آن نهی کرده اند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۳).

دلیل دوم: اجماع

علامه حلی تصریح می کنند که تمامی استعمال ظروف طلا و نقره در هر چیزی حرام است. دلیل ایشان اجماع است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۲۵). همچنین صاحب جواهر در تأیید اجماع می فرماید: «در این باره هیچ گونه اختلافی پیدا نکردم». ایشان چندین اجماع از کتاب های مختلف مثل تذکره، حدائق، تحریر و منتهی می آورد و می گوید همه اینها با دلیل اجماع به حرمت استعمال طلا و نقره حکم داده اند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۳۰).

دلیل سوم: روایات

صاحب جواهر دو دسته از این روایات را بیان می کنند: اول، روایاتی که به واسطه اطلاق، حرمت استعمال ظروف طلا و نقره را بیان می کنند؛ دوم، روایاتی که به صراحت می گویند همه استعمالات ظروف طلا و نقره حرام است.

دسته اول: اطلاق روایات

روایت اول: «... عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَأْكُلُ فِي أَنْيَةِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ» در ظرف طلا و نقره چیزی نخور. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۵۰۶، ح ۲). استدلال به این روایت بدین شکل است که از اطلاق «أنية الذهب و الفضة» می توان فهمید که از تمامی استعمالات ظروف طلا و نقره نهی شده است و اگر امام «اکل» در ظروف طلا و نقره را نهی کرده، به این دلیل است که در مقام آوردن مصداقی از مصداقی استعمال

است؛ یعنی درست است که متعلق نهی اکل است، ولی منحصر در اکل نیست و همه استعمالات ظروف را شامل می‌شود. پس حکم حرمت به استعمال طلا و نقره تعلق گرفته و اکل را به عنوان مصداقی از مصداق استعمال بیان کرده‌است.

روایت دوم: «... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنْ آيَةِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ فَكَرَّهَهَا...» (همان، ص ۵۰۵، باب ۶۵، ح ۱). استدلال به این روایت بدین شکل است که روایت مذکور بدون هیچ توضیحی اطلاق دارد؛ چرا که شخص درباره ظرف‌های طلا و نقره پرسیده و امام نسبت به این ظرف‌ها کراهت را بیان کرده است؛ یعنی تمام استعمالات ظرف‌های طلا در جاهای مختلف حرام است؛ زیرا احکام نه به ذات شیء بلکه به افعال تعلق می‌گیرد. در اینجا تعلق «کره» به ظروف بدین معناست که همه استعمالات این ظروف حرام است.

دسته دوم: تصریح روایات

روایت: «... عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: آيَةُ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ مَتَاعٌ الَّذِينَ لَا يُوقِفُونَ» (همان، ص ۵۰۷، باب ۶۵، ح ۴). «ظروف طلا و نقره متاع کسانی است که یقین به خدا و معاد ندارند». این روایت به صراحت دلالت می‌کند بر اینکه هر نوع استعمال ظرف‌های طلا و نقره حرام است؛ چرا که منظور از متاع، شیئی است که قابل انتفاع باشد و انسان از آن نفع ببرد.

ادله مخالفان حرمت استعمال ظرف‌های طلا و نقره

برخی فقها قائل اند که حکم حرمت ظرف‌های طلا و نقره فقط برای نوشیدن و خوردن است و این روایات نمی‌توانند حکم حرمت را وسعت دهند؛ به طوری که حکم حرمت همه نوع انتفاع از ظرف‌های طلا و نقره را در برگیرد. فقیه همدانی می‌فرماید:

در روایت اول اصلاً اطلاق وجود ندارد، بلکه آنچه را که وجود دارد نهی به متعلق خود، که اکل باشد، تعلق گرفته است و هیچ دلالتی بر اینکه همه استعمالات

و انتفاعات را شامل می‌شود ندارد و روایت دوم، که اطلاق دارد، منصرف به همین اکل می‌شود و به واسطه روایت اول حمل بر اکل می‌شود، نه اینکه همه استعمالات را شامل شود؛ پس اطلاق روایت دوم مقید به اکل می‌شود و بر اکل حمل می‌شود (مصباح الفقیه، ج ۸، ص ۳۵۶).

روایت سوم اشکال سندی دارد؛ چرا که اولاً در سلسله سند این روایت دو راوی ضعیف هستند. راوی اول سهل بن زیاد است که بعضی ایشان را ضعیف دانسته‌اند؛ ولی برخی می‌گویند: «الامر فی سهلٍ سهلٌ»؛ یعنی ایشان را توثیق می‌کنند. راوی دوم موسی بن بکر است که درباره ایشان توثیقی نیامده است و این روایت مرسل است؛ از این رو این روایت ضعیف است و نمی‌توان به آن استناد کرد؛ ثانیاً بر فرض که سند آن را قبول کنیم، باز نمی‌توانیم به این روایت استناد کنیم. هر چند که لفظ متاع همه انتفاعات را شامل می‌شود، بر اساس تناسب حکم و موضوع می‌توان گفت مراد از متاع ظرف همان اکل و شرب باشد؛ چرا که انتفاع ظروف در خوردن و آشامیدن است و عرفاً ظرف را برای خوردن و آشامیدن درست می‌کنند. پس حرمت، خوردن و آشامیدن را شامل می‌شود؛ ثالثاً این روایت بر نهی تنزیهی دلالت می‌کند که بر کراهت حمل می‌شود؛ چرا که این روایت لحن بیان احکام را ندارد، بلکه لحن این روایت اخلاقی است؛ بدین صورت که اهل دنیا از این ظروف در خوردن و آشامیدن استفاده می‌کنند، ولی اهل تقوا چنین بهره‌ای از آن نمی‌برند. درباره اجماع مطرح شده باید گفت که اولاً تحقق اجماع درباره حرمت استعمال ظرف‌های طلا و نقره محل بحث است و بر فرض وجود چنین اجماعی این اجماع مدرکی است و اجماع مدرکی حجت نیست؛ چرا که به واسطه وجود روایات نیاز به چنین اجماعی نیست. مرحوم حکیم بحث را به شکل دیگری بیان می‌کند و می‌فرماید:

آیا استعمال ظروف طلا و نقره شامل تزئین می‌شود یا نه؟ اگر این استعمال عام باشد، تزئین را شامل می‌شود و اگر خاص یعنی خوردن و آشامیدن باشد، تزئین را شامل نمی‌شود؛ بنابراین باید دید که استعمال ظرف‌های طلا و نقره به چه دلیلی

حرام است. اگر دلیل حرمت روایات باشد، چیزی از روایات فهمیده نمی‌شود که تزئین را مصداق استعمال ظروف طلا و نقره بدانند، مگر روایت موسی بن بکر که در آن لفظ متاع به کار رفته است. متاع یعنی آنچه انسان از آن نفع می‌برد؛ بنابراین تمامی انتفاعات انسان از ظرف‌های طلا و نقره حرام است؛ اما مشکل این روایت در ضعف سند آن است و به همین دلیل نمی‌توان به آن تکیه کرد؛ ولی اگر حرمت استعمال ظروف طلا و نقره را به دلیل اجماع بدانیم، مورد اجماع خوردن و آشامیدن و استعمال خاص است؛ پس استعمال ظروف طلا و نقره در تزئین مسجد و حرم‌های مطهر هیچ اشکالی ندارد.

ایشان در اشکال دیگری می‌فرماید:

اگر تزئین مصداقی از استعمالات طلا و نقره باشد، نباید هیچ فرقی بین تزئین مسجد و مشاهد مشرفه و خانه باشد؛ در حالی که مرحوم سید فقط تزئین ظروف طلا و نقره در مساجد و مشاهد مشرفه را حرام دانسته است. (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۶۶)

مرحوم حکیم به این نتیجه می‌رسند که تزئین خارج از استعمال طلا و نقره است؛ بنابراین استفاده از ظروف طلا و نقره در تزئینات نباید حرام باشد.

وقتی در این دلیل دقت می‌کنیم، می‌بینیم که تمام بحث فقهای ما درباره خود ظرف طلا و نقره است؛ یعنی آنها استعمالات ظروف طلا و نقره را حرام می‌دانند، نه کاربرد اصل طلا و نقره در مشاهد مشرفه و مساجد را. در ثانی این دلیل اخص از مدعی است؛ چرا که بحث ما درباره اصل تزئین در حرم‌های مطهر و مشاهد مشرفه است. در این مورد خاص (حرمت استعمال ظرف‌های طلا و نقره برای تزئین) بین فقها اختلاف است و نظر مرحوم حکیم به نظر صحیح است، گرچه شیخ طوسی بر این باور است که اگر استفاده از این ظروف برای تزئین در حرم‌های مطهر و برای تعظیم شعائر الهی تضييع مال است.

ادله قائلان حرمت تزیین طلا و نقوش در مسجد

باید ادله حرمت تزیین مسجد را بررسی کرد و پرسید که آیا می‌توان حکم حرمت مسجد را به حرم‌های مطهر و مشاهد مشرفه سرایت داد یا این حکم فقط برای مسجد است.

دلیل اول: اسراف

بعضی فقها علت حرمت تزیین مسجد را اسراف دانسته‌اند؛ به عبارت دیگر این تزیینات با طلا و ورنگ آمیزی و نقوش در و دیوار را زیاده‌روی و اسراف شمرده‌اند. از آنجا که شارع اسراف را حرام کرده است، فقها از تزیین مساجد نهی کرده‌اند.

اشکال

۱. اسراف زمانی است که انسان مال خود را زیادتر از حد عقلایی مصرف کند؛ ولی اگر استفاده شیء به اندازه مصرف عقلانی باشد، هیچ حرمتی ندارد. پس معیار در تشخیص اسراف مصرف عقلاست. حال اگر زینت‌های مسجد با فرض استفاده از طلا و نقره در تعظیم مساجد از باب تعظیم شعائر باشد، مورد نهی شارع نیست، بلکه چون مصداق تعظیم است، مستحب است.

۲. اگر اسراف دلیل حرمت تزیین مساجد باشد، به مسجد اختصاص پیدا نمی‌کند و همه مکان‌ها را شامل می‌شود؛ اما قائلان به حرمت تزیین مساجد این نوع تزیینات را در حرم‌های مطهر جایز می‌دانند. پس این دلیل برای حرمت تزیین مسجد صحیح نیست؛ چون این دلیل هر جایی که با طلا و نقره تزیین شده باشد را در بر می‌گیرد؛ در حالی که کسی نگفته است تزیین در همه جا حرام است.

دلیل دوم: بدعت

محقق در کتاب معتبر یکی از ادله حرمت تزیین را بدعت می‌داند؛ زیرا در عصر پیامبر و اهل بیت این تزیینات با طلا و ورنگ آمیزی وجود نداشته و ساخت مساجد به صورت ساده بوده است. همچنین هیچ تأییدی از عصر رسول الله ﷺ و ائمه با صلوات در

ساخت مسجد با تزیین پیدا نشده است. پس این عمل بدعت است و بدعت هم حرام است؛ بنابراین تزیین مساجد با طلا و نقوش حرام است.

اشکال: ۱. صاحب جواهر به این اشکال پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: هر بدعتی حرام نیست. اگر چیزی بدعت به معنای لغوی باشد، یعنی نو باشد، این بدعت اصلاً حرام نیست، بلکه بدعت وقتی حرام است که چیزی را که در دین نیست به شارع منتسب کنیم؛ ولی در این بحث بدعت به معنای لغوی است و کسی این تزیینات را به شارع انتساب نداده است. (نجفی، ۱۴۹۴ق، ج ۱۴، ص ۹۰).

۲. اگر این دلیل را بپذیریم، نه فقط تزیینات بلکه هر چیزی که امروزه در مسجد هست و در عصر رسول خدا و ائمه اطهار نبوده است، مثل فرش کردن و برق‌کاری و کاشی‌کاری، باید حرام باشد؛ از این رو این دلیل هم ناتمام است و نمی‌توان از آن حرمت تزیین مسجد را برداشت کرد. در واقع این دلیل چیزهای دیگری را هم حرام می‌داند که کسی ملتزم به آن نیست.

دلیل سوم: روایات

بهترین دلیل قائلان حرمت تزیین مسجد روایات است. از آنجا که زخرف هم طلا و هم صور و نقاشی را شامل می‌شود، روایات را به دو دسته تقسیم می‌کنیم: طبرسی در مکارم الاخلاق این روایت را نقل کرده است: «عن عبدالله بن مسعود... «مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» يَبْتُغُونَ الدُّورَ...» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۴۹، الفصل الرابع موعظة رسول الله لابن مسعود).

تقریب روایت: این روایت در مقام ذم است و پیامبر این دسته از اهل دنیا را که آخرت را فراموش کرده و مساجد را تزیین کرده‌اند و قصرشان را زیبا ساخته‌اند مذمت می‌کند. از این روایت می‌توان فهمید که پیامبر تزیین مساجد را مذموم می‌داند.

حرمت تزیین مساجد در کتب فقهی با این عبارت آمده است: «یحرم زخرفة

المسجد». بعضی فقها مثل شیخ طوسی (۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۱۶۰، کتاب الصلاة)، علامه حلی (۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۹۳، کتاب الصلاة)، محقق حلی (۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۵۲، کتاب الصلاة)، شهید ثانی (۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۸، کتاب الصلاة) به حرمت تزیین با طلا و نقوش در مسجد قائل شدند، ولی صاحب جواهر می‌فرماید: این قول حرمت به شهرت معتد به، یعنی به شهرتی که بتوان به آن تکیه کرد، نرسیده است. حال بعضی می‌گویند وقتی در مسجد تزیین با طلا و نقوش حرام است، همین حکم را به حرم‌های مطهر و مشاهد مشرفه هم می‌توان سرایت داد؛ چراکه بین مسجد و حرم‌های مطهر از حیث حرمت و حفظ شأن فرقی وجود ندارد. پس نباید حرم‌های مطهر را با طلا و نقوش تزیین کرد؛ بنابراین با بیان این روایات فقهای ما به حرمت تزیین با طلا، یا به احتیاط حرمت تزیین طلا قائل شدند؛ ولی همه این فقها با استناد به آیه «مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ» (حج: ۳۲) این نوع تزیینات را در مشاهد مشرفه جایز شمرده‌اند؛ یعنی این حکم حرمت یا احتیاط را به حرم‌های مطهر سرایت نداده‌اند و فقط به مساجد اختصاص داده‌اند.

نتیجه‌گیری

اصل تزیین در مکان‌های مذهبی هیچ اشکالی ندارد، بلکه با اصل جواز و تعظیم شعائر و اصل عقلایی کاملاً مطابقت دارد و صحیح است. بعضی روایاتی که از تزیین نهی کرده‌اند با اصل تزیین مخالفت نکرده‌اند، بلکه به طور خاص طلاکاری در مسجد را جایز ندانسته‌اند. بعضی فقها نیز به واسطه این نهی در روایات حکم به حرمت، و بعضی به احتیاط حکم کردند؛ ولی در مشاهد مشرفه و حرم‌های مطهر، جُلّ فقها، حتی قائلان به حرمت طلاکاری در مسجد، تزیین را جایز دانسته‌اند؛ چراکه حکم حرمت روایات را مختص مسجد دانسته و به حرم‌های مطهر سرایت نداده‌اند؛ بنابراین این تزیینات هیچ اشکالی ندارد و کاملاً بر اساس ادله ماست.

منابع

* قرآن: ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی

* مفاتيح الجنان

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقائيس اللغة، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، قم.
۲. بيهقي، عبدالقادر محمد (۱۴۲۴ق)، السنن الكبرى، دارالكتب العلمية.
۳. ترابي، علي اكبر، الموسوعة الرجالية، المؤسسة الامام الصادق عليه السلام.
۴. حائري، يوسف آرام (۱۳۹۴ق)، مدارك العروة، مطبعة النعمان.
۵. حر عاملي، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، مؤسسة آل البيت.
۶. حكيم، سيد محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسك العروة الوثقى، مؤسسة دار التفسير.
۷. حميري، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد (ط- الحديثة)، مؤسسة آل البيت.
۸. خويي، سيدابوالقاسم (۱۴۱۶ق)، صراط النجاة (المحشى)، مكتب نشر المنتخب.
۹. ----- (۱۴۱۸ق)، موسوعة الإمام الخوئي، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي عليه السلام.
۱۰. زبيدي، محمد مرتضى (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۱۱. زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل.
۱۲. سبزواري، سيدعبدالأعلى (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام، مؤسسه المنار.
۱۳. شهيد اول، محمد بن مكى (۱۴۱۹ق)، ذكرى الشيعة في احكام الشيعة، مؤسسه آل البيت.
۱۴. شهيد ثانی، زينالدين بن على (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، مؤسسة المعارف الإسلامية.
۱۵. طبرسي، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مكارم الأخلاق، ج ۴، الشريف الرضى.
۱۶. طريحي، فخرالدين، (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرين، كتابفروشى مرتضوى.
۱۷. طوسى، محمد بن حسن (۱۳۶۴ش)، تهذيب الاحكام فى شرح المقنعه، دار الكتب الاسلاميه.
۱۸. ----- (۱۳۸۷ق)، المبسوط في فقه الإمامية طوسى، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۱۹. علامه حلى، حسن بن يوسف (۱۴۱۲ق)، منتهى المطلب فى تحقيق المذهب، مجمع البحوث الاسلاميه.

۲۰. ----- (۱۴۱۴ق)، تذكرة الفقهاء، مؤسسه آل البيت.
۲۱. فخر المحققين، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد، مؤسسه اسماعيليان.
۲۲. فيومی، مصباح المنیر في غریب الشرح الكبير، منشورات دار الرضى.
۲۳. قرشى، سيد على اكبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، ج ۶، دار الكتب الإسلامية.
۲۴. محقق حلى، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق)، المعترف في شرح المختصر، مؤسسه سيد الشهداء.
۲۵. موسوى بجنوردى، سيد حسن (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهية، نشر الهادى.
۲۶. نجفى، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، ج ۷، دار إحياء التراث العربى.
۲۷. نورى، ميرزا حسين (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت.
۲۸. همدانى، رضا بن محمد هادى، (۱۳۷۶ش)، مصباح الفقيه، المؤسسة الجعفرية، قم.
۲۹. يزدى طباطبايى، سيد محمد كاظم (۱۴۰۹ق)، العروة الوثقى فيما تعم به البلوى، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۰. ----- (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقى فيما تعم به البلوى (المحشى)، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۳۱. يزدى، سيد محمد (۱۴۱۶ق)، كتاب الصلاة، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.